

مسئله زن در نگرش خبرگان قانون اساسی

محسن خلیلی*

نسترن صالح‌نیا*

چکیده

انقلاب‌ها از حیث پیامدهای جنسیتی دو نوع‌اند: مساوات‌گرا، که رهایی زنان یکی از اهداف آنها به‌شمار می‌رود؛ و مردسالارانه، که زن را در قالب خانواده محصور می‌سازند. شایسته است پیش از بررسی مفهوم مشارکت سیاسی زنان در جامعه انقلابی ایران، درک کنیم که خبرگان تدوین‌کننده قانون اساسی چه نوع نگرشی نسبت به مسئله زن داشته‌اند. گمان نخستین آن است که خبرگان دارای نگرشی پنج‌وجهی (مذهبی، بدیهی، عقلانی، انقلابی، فقهی) بوده‌اند؛ یعنی، از یک سو، مسئله زن محصور در شرع محسوب شد، زیرا فقها بر فضای ذهنی مجلس خبرگان چیرگی داشتند؛ و از دیگر سو، نگاه جمع‌گرایانه بر نگرش فردگرایانه غلبه یافت و زن به‌عنوان یک فرد، افزون بر ویژگی‌های فردی، در مجموعه‌ای به نام خانواده نیز اهمیت یافت.

کلیدواژه‌ها: جنسیت و انقلاب، زنان، انقلاب اسلامی ایران، مجلس خبرگان قانون اساسی.

۱. مقدمه

با وجود تئوری‌های بسیار برای تبیین انقلاب در علوم اجتماعی، نظریه‌پردازان حوزه انقلاب اتفاق نظر دارند که وقوع انقلاب ایران برای همه آنها حیرت‌انگیز بوده است

* دانشیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول) khalilim@um.ac.ir

* کارشناس ارشد علوم سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس salehnia62@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۲/۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۵/۲

(طالبان، ۱۳۸۸: ۲۰۱). در همه انقلاب‌ها، حقوق زنان، نحوه مشارکت و بحث جنسیت مهم تلقی می‌گردد. گرچه پیش از وقوع انقلاب‌ها، نهادهای عرفی و قوانین حقوقی نشان‌دهنده وضعیت زنان وجود دارد، در منظر انقلابیون ناکافی‌اند و بعضاً غیرمترقی؛ بنابراین، دولت‌های انقلابی می‌کوشند بهبود موقعیت اجتماعی زنان را قانونی کنند؛ در حقوق خانواده، تجدید نظر و امتیازهای قانونی مردان را تعریف کنند؛ بدین منظور که بخشی از نیروی انقلابی جامعه، یعنی زنان، از پیامدهای حقوقی و جنسیتی انقلاب‌ها احساس سرخوردگی نکنند.

پیامدهای انقلاب در مورد زنان، تحت تأثیر ایدئولوژی انقلاب و به تبعیت از ماهیت جنسیت و محدوده مشارکت زنان در پیش از پیدایش جنبش انقلابی، قرار دارد (فوران، ۱۳۸۲: ۱۸۶). در همه انقلاب‌ها نظام قشربندی اجتماعی متحول می‌گردد و جای مناسبات سلطه و اطاعت عوض می‌شود. تأثیر انقلاب بر زنان از عوامل گوناگون و از همه مهم‌تر، از طبقه ناشی می‌شود. قوانین مربوط به زنان و خانواده، به‌ویژه آنها که مربوط به جنبه‌های تولید نسل یا پایگاه قانونی است، ممکن است همه زنان را یکسان تحت تأثیر قرار دهد (همان: ۱۹۱).

انقلاب‌ها علاوه بر تغییر در نظم سیاسی، به دنبال تغییر در ساختارهای نابرابر اقتصادی و اجتماعی نیز هستند، اما در نوع رویکردشان به نابرابری جنسیتی با هم متفاوت‌اند. بعضی انقلاب‌ها در بخشی از تلاششان برای کسب حمایت، به ایدئال‌های بسیار سنتی مردان برتر و زنان زیردست توسل جسته‌اند و انقلاب‌های دیگر، علاوه بر تجدید ساختار جنبه‌های مختلف جامعه، به دنبال تجدید ساختار روابط جنسیتی نیز هستند. به تعبیر والتین مقدم، هرچند زنان نقش چشمگیری در تقریباً همه منازعات انقلابی، حتی انقلاب‌هایی که حامی ایدئال‌های خانواده سنتی بوده‌اند، ایفا کرده‌اند، واقعاً تفاوت‌هایی وجود دارد (گلدستون، ۱۳۸۵: ۱۵۲). دو مدل نظری جنسیت را کمابیش در بسیاری از انقلاب‌ها می‌توان مد نظر قرار داد: یکی مدل زن وابسته به خانواده است که می‌کوشد خواست‌های زنان را به موقعیت‌های پدرسالاری فرهنگی و اجتماعی پیوند بزند؛ و دیگری، الگوی آزادی زنان در انقلاب‌های سوسیالیستی است که با انقلاب روسیه شروع شده و در آن، برابری جنسی بیش از تفاوت جنسی مورد توجه بوده است (فوران، ۱۳۸۲: ۱۸۶-۱۹۲).

انقلابیون برای تبدیل شدن به سیاست‌مداران حاکم، به قانون نیاز دارند و در این میان،

قانون اساسی نقشی بنیادی ایفا می‌کند. قانون اساسی به عنوان سیاسی‌ترین متن در نظام حقوقی هر کشور، به‌خصوص در رژیم‌های انقلابی، به‌خوبی نشان‌دهنده آرمان‌ها و خطوط کلی آن انقلاب برای اداره آتی کشور است (اسدی زیدآبادی، ۱۳۸۳: ۱). مجلس خبرگان قانون اساسی مسئولیت بررسی پیش‌نویس قانون اساسی را برعهده‌داشت که قبل از پیروزی انقلاب، به دستور مستقیم امام خمینی تدوین شده بود. با توجه به جو حاکم بر زمانه تدوین و نگارش قانون اساسی و این نکته که انقلاب ایران جزء انقلاب‌های مذهبی به حساب می‌آید که به رهبری روحانیت به پیروزی رسید، دیدگاه غالب در این قانون نیز با توجه به ترکیب اعضای این مجلس مطابق موازین اسلامی و در راستای در نظر گرفتن احکام الهی به تصویب رسید. پرسش بنیادین این مقاله این است که نگرش خبرگان قانون اساسی نسبت به جایگاه زنان در مشروح مذاکرات خبرگان به چه صورت بوده است؟ فرض نگارندگان مقاله این است که به‌نظر می‌رسد واضعان قانون اساسی ایران نگرشی پنج‌وجهی به موضوع زنان داشته‌اند: تأکید مذهبی و دینی بر تساوی^۱ افراد اعم از زن و مرد (مذهبی به این مفهوم که مطابق با موازین دین اسلام و به‌خصوص محکومات قرآنی باشد)؛ بدیهی بودن حقوق زنان (بدیهی بودن یعنی با اصول ابتدایی عقلی و عینی، قابل درک و برای همگان واضح باشد)؛ الزام به قبول عقلی و طبیعی مساوات میان همه افراد (عقلانی بودن بر استنتاجات عقلی از مسائل تأکید دارد و موضوعاتی را مد نظر می‌آورد که عقل بشری بدون واسطه قادر به درک آنهاست)؛ چیرگی تلقی آرمان‌گرایانه انقلابی بر فضای تدوین قانون اساسی (انقلابی بودن یعنی برخاسته از یک دیدگاه ایدئولوژیک و آرمانی)؛ و چیرگی تلقی فقهی بر فضای تدوین قانون اساسی (مقصود از فقه یعنی برداشت موضوعات و مسائل براساس دیدگاه‌های مجتهدان که بر اصول اساسی دین و قرآن و حدیث تسلط دارند و قادر به ارائه احکام ثانویه و استنتاج راه حل‌ها بر اساس قرآن و سنت نبوی و ائمه اطهار باشند).

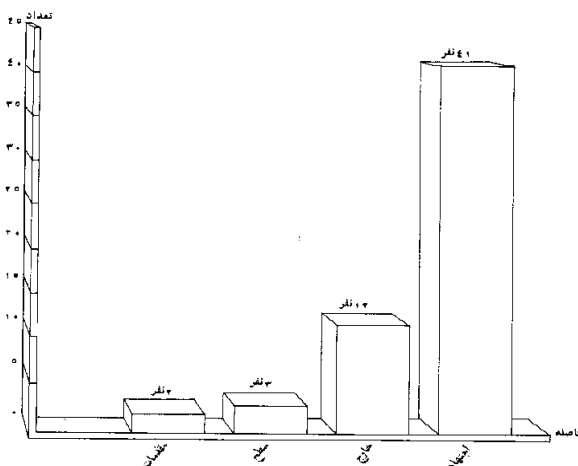
۲. پیشینه پژوهش

ایده‌های موجود در نوشتارهایی همچون گلدستون، طالبان، محمدی اصل، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، ساناساریان، شجاعی، مولاوردی، دریاباری، افشار، مروئی، مقدادی، پروین، جوان آراسته، موسوی، کار، قلفی و اسدی زیدآبادی همگی در نگارش مقاله مفید بوده‌اند، ولی در مورد موضوع مورد بررسی، هیچ‌کدام از دیدگاه مورد نظر مقاله

به بررسی نپرداخته‌اند یا صرفاً قوانین مربوط به زنان را بررسی کرده‌اند و یا فضای حاکم بر انتخابات مجلس خبرگان را مد نظر داشته‌اند. بنابراین، از این منظر نوشتاری را نمی‌توان یافت که با توجه به مذاکرات خبرگان قانون اساسی، به بررسی نگرش پنج وجهی خبرگان به موضوع زنان پرداخته باشد.

نگارندگان، با در نظر گرفتن یک نکته اساسی تاریخی، تصمیم به نگارش مقاله گرفتند. آنچه در سال ۱۳۵۷ به چشم بسیاری از صاحب نظران عجیب می‌آمد، مشارکت فعال تعداد عظیمی از زنان از طبقات مختلف و اقشار تحصیل کرده در انقلاب بود. آنها با حجاب اسلامی در خیابان‌ها تظاهرات می‌کردند و همدوش مردان علیه شاه و به هواداری از امام خمینی شعار می‌دادند. دو گروه متضاد از زنان، انقلاب ضد شاه را پشتیبانی می‌کردند: زنان بی‌سواد و زنان باسواد (حتی زنانی با تحصیلات عالی). تا سال ۱۳۵۷ به رغم دستاوردهایی در آموزش، حدود ۶۰ درصد ایرانی‌ها بی‌سواد بودند که اکثر آنها را زنان تشکیل می‌دادند. حمایتی که امام خمینی از سوی توده‌های زنان به دست آورد، نباید تعجب‌انگیز باشد. این بخش از زنان همواره از رهبران مذهبی و از اکثر عناصر سنت‌گرا در ایران حمایت می‌کردند، به آموزه‌های روحانیون شیعه گوش می‌دادند و به آنها اعتماد داشتند. سخنان روحانیون برای این گروه از زنان تردید و یا پرسشی ایجاد نمی‌کرد، زیرا روحانیون از نظر آنها حامل کلمات خدا بودند.

بخش عمده زنان شهری حامیان امام خمینی، از طبقات پایین بودند که با پیروی از روحانیون و مردان خانواده به خیابان می‌آمدند. این زنان بیش از ۵۰ درصد کل جمعیت زنان در مناطق شهری را تشکیل می‌دادند. زنان تحصیل کرده هم حامی ایشان بودند. علت این امر، موقعیت رهبری مذهبی در جنبش ضد شاه بود. جنبش ضد شاه از هیچ جنبه‌ای به مسئله حقوق زنان حمله نکرد. صحبت‌های امام خمینی درباره حقوق زنان و جایگاه آنها در جامعه اسلامی، آنان را جذب می‌کرد و زنان متقاعد می‌شدند که جنبش ضد شاه جنبش ضد حقوق زنان نیست. فضای سیاسی و اجتماعی که حاکم بر جامعه بود، ملغمه‌ای از ارزش‌های سنتی و غربی بود و این باعث شده بود زنان به یک سردرگمی دچار شوند (ساناساریان، ۱۳۸۴: ۱۵۹-۱۷۰). بعد از انقلاب، روحانیون به عنوان بانفوذترین گروه در روند انقلاب، با توجه به اعتمادی که گروه‌های مختلف اجتماعی به آنها داشتند، بیشتر مقامات رسمی حکومت را در اختیار گرفتند که از آن جمله می‌توان به حضور حداکثری آنان در مجلس خبرگان قانون اساسی اشاره کرد.



توزیع نمایندگان مجلس بررسی نهایی قانون اساسی برحسب میزان تحصیلات حوزه‌ای

۳. فضای تدوین قانون اساسی

انقلاب اسلامی ایران در فضایی که ایدئولوژی اسلامی به شدت بر آن حاکم بود، به وقوع پیوست. این ایدئولوژی برآمده از اسلام با تلفیقی از درون‌مایه انقلابی و رهبری امام خمینی بود که شخصیتی کاریزماتیک داشت و با هژمونیک شدن اسلام شیعی باعث شد که بعد از انقلاب، فضایی پدید آید که هیچ کدام از ایدئولوژی‌های رقیب توان رقابت در مقابل اسلام‌گرایان را در خود نبینند. رهبری قاطع و بی‌نظیر امام خمینی در فرایند پیروزی انقلاب اسلامی و سیاست پایداری در برابر مشکلات در روند انقلاب، باعث شد که ایشان تصمیم‌گیری نهایی را در سیاست در دست داشته‌باشند. محبوبیت ایشان فرصت مناسبی را در اختیار روحانیون قرار داد تا در تشکیل مجلس خبرگان قانون اساسی و ایجاد تغییرات در پیش‌نویس این قانون، هر چه بیشتر دست سایر گروه‌ها و مهم‌تر از همه لیبرال‌ها را از قدرت کوتاه کنند (فارسون و مشایخی، ۱۳۷۹: ۱۸۵-۱۸۶). بر این اساس، با توجه به هژمونیک شدن اسلام شیعی در فرایند انقلاب اسلامی و پس از آن، مجلس خبرگان در فضایی آکنده از اسلام‌گرایی آرمان‌گرایانه تشکیل شد و به‌خصوص، با پیام امام به این مجلس که باید قانون اساسی اسلامی باشد و تشخیص موافقت و مخالفت با احکام نیز در صلاحیت فقهای عظام است، قانون اساسی‌ای متولد شد که یک نظام سیاسی منحصر به فرد را بر اساس حاکمیت شرع استوار کرد. هر کسی نمی‌توانست در این مجلس عضو باشد، بلکه صلاحیت

عضویت در آن محدود و منحصر بود و در کنار اشاره به این موضوع که این مجلس نیازمند حضور اقتصاددانان و حقوق دانان بود، این قید گذاشته شد که بایستی همه آنها اسلام را به عنوان یک ایدئولوژی زنده پذیرفته باشند (حسینی بهشتی، ۱۳۷۷: ۶۴-۶۵).

باید اشاره کرد که نظام سیاسی و حقوقی که دستاورد مجلس خبرگان متشکل از اکثریت فقها و علما بود، نمی توانست چیزی جز یک نظام اسلامی با تمام ویژگی های آن باشد. این نظام مبتنی بر تشیع راستین، در واقع تبلور تمام عیار نظام امت و امامت است (همان: ۱۵). همان طور که خود امام خمینی نیز بر این امر تأکید داشتند که وقتی اکثریت قاطع مردم، نظام جمهوری اسلامی را نظام مورد نظر خود اعلام کرده اند، بایستی قانون اساسی آن نیز در چهارچوب اسلام و نه یک قانون اساسی تقلیدی باشد (موسوی خمینی، ۱۳۸۵: ۲۱۹/۸). امام خمینی با استفاده از محبوبیت خویش در نزد ملت، آنها را ترغیب کردند که به اسلام شناسان و فقهایی رأی دهند که تمام تلاش خود را برای اسلامی کردن قانون اساسی به کار می بندند (همان: ۲۲۱/۸). در چنین فضایی، جایگاه زنان در قانون اساسی نمی توانست خارج از موازین اسلام باشد.

۴. زن در قانون اساسی

توجه به مساوات همگانی در برابر قانون و ورود مباحث مربوط به زنان در قوانین اساسی دنیا چندان بی سابقه نیست. مطالعه تطبیقی این قوانین حاکی از آن است که بسیاری از این کشورها به این امر اهتمام جدی داشته اند؛ از جمله بند ۴ قانون اساسی ژاپن (۱۹۴۶) پیش بینی کرده که همه مردم در برابر قانون یکسان هستند و هیچ تبعیضی نباید از نظر سیاسی، اجتماعی و اقتصادی به واسطه نژاد، کیش و جنسیت وجود داشته باشد. در قانون اساسی امریکا، در نخستین اصلاحیه پیشنهادی قانون اساسی بخش ۱، ایالات متحده یا هیچ یک از ایالات، تساوی حقوقی قانونی را بر اساس جنسیت (افراد) نفی یا محدود نمی کند (دفتر توافق های بین المللی، ۱۳۷۸: ۵۱). در قانون اساسی فرانسه، همه اتباع فرانسه اعم از زن و مرد که به سن قانونی رسیده اند و از حقوق مدنی و سیاسی برخوردارند، تحت شرایطی که قانون تعیین می کند، حق دارند در انتخابات شرکت کنند (همان جا، ۱۳۷۶: ۲۲). در قانون اساسی الجزایر نیز که نزدیکی بیشتری با قانون اساسی ایران در آن مشاهده می شود، در برخی موارد تساوی زن و مرد و در بخشی نیز نهاد خانواده را مورد توجه قرار داده است: اصل ۲۹؛ کلیه اتباع بدون هیچ گونه تبعیضی به لحاظ تولد، نژاد، جنسیت و اعتقاد

یا در هر شرایط یا موقعیت شخصی یا اجتماعی دیگر در مقابل قانون برابرند. اصل ۳۱؛ به برابری حقوق و وظایف کلیه اتباع اعم از زن و مرد، ضمن حذف موانع اشاره می‌کند که بر سر راه رشد و ترقی اشخاص و حضور مؤثر همگان در حیات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی وجود دارد (همان‌جا، ۱۳۷۹: ۳۱). اصل ۳۲؛ حقوق و آزادی‌های ناشی از حقوق بشر را میراث ملی مردان و زنان الجزایر عنوان کرده که باید از نسلی به نسل دیگر انتقال یابد (همان: ۳۴). اصل ۴۲؛ احترام به مقررات قانون اساسی حاضر ایجاب می‌کند که احزاب سیاسی بر اساس مذهب، نژاد، جنسیت، صنف یا منطقه تشکیل نشوند. اصل ۵۸؛ نهاد خانواده از حمایت دولت و جامعه برخوردار است. اصل ۶۳؛ مجموعه آزادی‌های هر تبعه با احترام به حقوق و رسمیت شناخته شده در قانون اساسی برای سایرین به ویژه احترام به حق حیثیت، مودت و حمایت از خانواده، جوانان و اطفال اعمال می‌شود (همان: ۳۷).

ماده سوم قانون اساسی آلمان، در بحث تساوی در برابر قانون آمده که مردان و زنان حقوق مساوی خواهند داشت. در ماده ۶ قید شده است که ازدواج و خانواده در حمایت ویژه دولت خواهد بود. بند دوم، مواظبت و پرورش آنان را حقوق طبیعی آنها دانسته که در مرحله نخستین بر عهده پدر و مادر است. جامعه بر کوشش‌های آنان در این خصوص نظارت خواهد کرد. در بند ۴ عنوان می‌شود که هر مادری حق دارد که جامعه از او حمایت و مواظبت کند (بوشهری، ۱۳۷۶: ۱۹۳).

ماده ۱۲۲ قانون اساسی شوروی عنوان می‌کرد که به زنان در شوروی حقوق برابر با مردان در امور اقتصادی، دولتی، فرهنگی، سیاسی و سایر فعالیت‌های همگانی داده می‌شود. این حقوق زنان که با حقوق مردان برابر است در کار، اجرت، استراحت، فراغت از کار، بیمه اجتماعی و آموزش و حمایت دولت از مصالح مادر و کودک، کمک دولت به مادران پرآلود و مادرانی که ازدواج نکرده‌اند، مرخصی زایمان با پرداخت تمام دستمزد و با تدارک تعداد زیادی زایشگاه، شیرخوارگاه و کودکستان تأمین خواهد شد (همان: ۳۳۲). در ماده ۳۴، شهروندان اتحاد شوروی بدون در نظر گرفتن تبار، مقام اجتماعی، یا میزان دارایی، نژاد یا ملیت، جنس، تحصیلات، زبان، عقیده مذهبی، نوع و ماهیت شغل، در برابر قانون مساوی‌اند (همان: ۳۳۹). در ماده ۳۵ چنین قید می‌گردد که زنان و مردان در شوروی حقوق مساوی دارند که اجرای این حقوق از این راه‌ها تأمین می‌شود: امکان دسترسی زنان به آموزش و کارآموزی در پیشه و حرفه برابر مردان؛ فرصت‌های مساوی در استخدام؛ دریافت اجرت و ترفیع و فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی و فرهنگی؛ انجام کارهای ویژه در اقدام به

حفظ بهداشت زنان؛ و فراهم کردن شرایطی که کار را برای مادران میسر سازد. حمایت قانونی و پشتیبانی مادی و معنوی از مادران و کودکان شامل مرخصی با استفاده از حقوق و سایر مزایا برای مادران آبستن و کاهش ساعات کار برای مادرانی که فرزندان خردسال دارند (همان: ۳۳۹) نیز از دیگر محتوای قانون اساسی شوروی پیشین بوده است.

با توجه به مواردی که مطرح شد، می‌توان به این مسئله اشاره کرد که در بیشتر قوانین اساسی، بحث زن و جنسیت مورد بررسی قرار گرفته و اکثراً به این لفظ اشاره شده است؛ ولی، طبق دو دیدگاهی که در بخش چکیده مطرح شد، هر کدام از این قوانین اساسی، با توجه به نوع نگرشی که به زنان دارند، موارد مختلفی را عنوان کرده‌اند. کلاً، نحوه نگرش و تقسیم‌بندی قوانین مربوط به زنان را می‌توان این‌گونه در نظر آورد: برخی این حقوق را در قالب حقوق خاصه و حقوق عامه تقسیم می‌کنند (شجاعی، ۱۳۸۳: ۳)؛ و در یک نمونه دیگر، به سه بخش: حقوق فردی و خانوادگی، حقوق اجتماعی و مشارکت سیاسی تفکیک‌کردنی هستند (معاونت پژوهشی نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، ۱۳۸۷: ۲۱). در دو جدول زیر با اشاره به مقدمه و اصول قانون اساسی، به قرارگرفتن هر کدام از این موارد در وجوه پنجاهانه مذهبی، بدیهی، عقلانی، انقلابی و فقهی اشاره خواهیم کرد.

جدول ۱. اصول خاص زنان در قانون اساسی

شماره اصل	محتوا و مضمون	وجه
مقدمه (در بخش هشتم ملت)	همستگی گسترده زنان و مردان از همه اقشار و جناح‌های مذهبی و سیاسی در مبارزه به طور چشمگیری تعیین‌کننده بود و مخصوصاً زنان به شکل بارزی در تمامی صحنه‌های این جهاد بزرگ حضور فعال و گسترده‌ای داشتند. صحنه‌هایی از آن نوع نشان می‌دهد که مادری با کودکی در آغوش، شتابان به سوی میدان نبرد می‌رفت و لوله‌های مسلسل او را هدف قرار داده بودند. این صحنه‌ها نشان‌دهنده سهم عمده و تعیین‌کننده این قشر بزرگ جامعه در مبارزه است.	انقلابی، مذهبی
مقدمه	اشاره به اینکه در مقابله با استثمار از جمله نیروهای تحت ستم، زنان بوده‌اند که حقوق خود را با انقلاب بازیافتند و با اشاره به اینکه خانواده نهاد بنیادی جامعه است و زن در این برداشت از خانواده از حالت شیء‌شدگی خارج می‌شود و به نقش زن به‌عنوان مادر اشاره می‌کند.	انقلابی، مذهبی، فقهی
۳	تأمین حقوق همه جانبه افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون.	عقلانی، بدیهی

۲۰	همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند.	فقهی، بدیهی، عقلایی
۲۱	دولت موظف است حقوق زن را در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی تضمین کند و امور زیر را انجام دهد: ایجاد زمینه‌های مساعد برای رشد شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی او؛ حمایت مادران، به‌خصوص در دوران بارداری و حضانت فرزند و حمایت از کودکان بی‌سرپرست؛ ایجاد دادگاه صالح برای حفظ کیان و بقای خانواده؛ ایجاد بیمه خاص بیوگان و زنان سالخورده و بی‌سرپرست؛ اعطای قیمومت فرزندان به مادران شایسته در جهت غبطه آنها در صورت نبودن ولی شرعی.	عقلایی، فقهی

جدول ۲. اصول عمومی که غیر مستقیم زنان را مورد خطاب قرار داده است.

شماره	محتوا	وجه
۱۰	الزام به هم‌جهت‌شدن همه قوانین و مقررات و برنامه‌ریزی مربوط در راستای آسان‌کردن تشکیل خانواده و پاسداری از قداست آن	مذهبی، فقهی
۱۹	اشاره به حقوق مساوی مردم از هر قوم و نژاد و زبان و رنگ (بدون ذکر جنسیت)	عقلایی، مذهبی، انقلابی
۲۸	تأمین آزادی انتخاب شغل مناسب	عقلایی، بدیهی
۲۹	برخورداری از تأمین اجتماعی و تکلیف دولت برای ارائه خدمات و حمایت‌های مالی مربوط	عقلایی، بدیهی
۱۱۵	انتخاب رئیس جمهور از میان رجال مذهبی و سیاسی واجد شرایط خاص	فقهی
۴۳	برخورداری زنان از امتیازات کافی به دلیل شرایط خاصشان در مورد ساعات کار و اشتغال برای ممانعت از تناقض در مسئولیت‌های خانوادگی و فعالیت‌های اجتماعی خویش و افزایش دقت و توان خودسازی و معنوی و افزایش مهارت	مذهبی، فقهی، بدیهی

شایسته است به متن پیش‌نویس و تغییراتی که در آن قوانین اعمال شده است نیز اشاره‌ای داشته باشیم. برای نزدیکی به ذهن خواننده، جدول مختصری در باب این اصول ارائه می‌گردد. این تغییرات می‌تواند نشان‌دهنده جو حاکم بر فرایند تدوین قانون اساسی باشد. گرچه مجلس خبرگان وظیفه بررسی متن پیش‌نویس را برعهده داشت، مواردی را تغییر داد و یا زیاد و کم کرد که اشاره به آنها لازم است.

جدول ۳. اصول پیش‌نویس قانون اساسی در مقایسه با اصول مطرح‌شده در متن اصلی قانون اساسی

شماره اصل	محتوای اصل
۵ (در قانون اساسی اصل ۱۹)	در جمهوری اسلامی ایران همه اقوام حقوق مساوی دارند و هیچ‌کس را بر دیگری امتیازی نیست.
۱۱ (در قانون اساسی اصل ۱۰)	خانواده واحد بنیادی جامعه انقلابی محسوب شده و قوانین باید اسباب استواری ازدواج را بر پایه توافق عقیده و علاقه فراهم آورد و حقوق خانواده بر حقوق فردی زوجین مقدم شمرده شود و روابط زن و مرد بر اساس تقوا و طهارت و ارزش‌های والای انسانی قرار گیرد.
۱۲ (در قانون اساسی اصل ۲۱)	از آنجا که تربیت فرزندان با پدر و مادر و در دوران کودکی بیشتر با مادر است، تعلیم و تربیت دختران وظیفه مقدم بنیادهای فرهنگی تلقی می‌شود و قوانین راجع به خانواده باید برای مادر امکانات مادی و معنوی در نظر بگیرد.
۲۲ (در قانون اساسی اصل ۲۰)	همه افراد ملت اعم از زن و مرد در برابر قانون مساوی‌اند.
۲۸ (در قانون اساسی اصل ۲۸)	هرکس حق دارد شغلی را که بدان مایل است و مخالف اسلام و مصالح عمومی نیست، برگزیند.
اصل ۲۹ (در قانون اساسی اصل ۲۹)	حق استفاده از بیمه و... حقی همگانی است و دولت به برقراری آن مکلف است و در این زمینه کشاورزان، کارگران و گروه‌های کم‌درآمد در اولویت‌اند.
۷۶ (در قانون اساسی اصل ۱۱۵)	در مورد شرایط رئیس‌جمهور صرفاً بحث مسلمان، ایرانی‌الاصل و تابع ایران بودن مطرح شده است.

(راهنمای استفاده از صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی قانون اساسی مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۸: ۳-۵۳)

۵. خبرگان قانون اساسی و زنان

بررسی تاریخی روند شکل‌گیری قانون اساسی در ایران پرفرازونشیب بوده و در این بین، همواره قانون مشروطیت مورد اشاره همه نمایندگان در دوره‌های مختلف بوده است. نکته جالب در موردی که ذکر شد، این است که بیشتر روحانیون همواره یکی از مخالفان تدوین قانون اساسی در دوران قبل از انقلاب بوده‌اند (قلفی، ۱۳۸۴: ۳۲۳). اما، با توجه به موضع‌گیری‌های امام خمینی در زمینه قانون اساسی، دیدگاه روحانیون بعد از شکل‌گیری انقلاب اسلامی نسبت به تدوین قانون اساسی تغییر کرد، به طوری که بیشتر کاندیداهای

انتخابات مجلس خبرگان، روحانیون بودند و با توجه به ویژگی‌هایی که برای کاندیدا شدن وجود داشت، این امر دور از انتظار نبود. ۷۰ درصد این نمایندگان روحانیون بودند و این خود نشان‌دهنده فضای فکری غالب فقهی در تدوین این قانون است (اداره تبلیغات و انتشارات مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۸: ۴۰۹). در ترکیب نمایندگان این مجلس فقط یک زن انتخاب شده بود که مدرک تحصیلی ایشان نیز «سطح» حوزه بود. برای سهولت در بررسی این سخنان، مذاکرات را بر اساس چهارچوب پنج‌وجهی مورد نظر مقاله، دسته‌بندی می‌کنیم.

۱.۵ وجه مذهبی

یکی از خبرگان عنوان می‌کند که قانون اسلام قانون گسترده‌ای است و در مورد حقوق زن و مرد تمام مکلفین را در برابر قانون مساوی می‌داند، مگر در موارد خاص که خدا مصلحت اجتماعی را در این دیده که تفاوت‌هایی وجود داشته باشد (اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی^۲، ۱۳۶۴: ۵۹). منیره گرجی در بحث پیرامون مصونیت نمایندگان عنوان می‌کند که زن در جامعه اسلام و به خصوص در نظام فعلی، از محروم‌ترین افراد جامعه است و اصیل‌ترین زن‌های جامعه بشریت، زن مسلمان است که با توجه به قرآن، ایمان، تقوا، شأن و مسئولیتی سنگین دارد. جدا کردن حساب زن و مرد از یکدیگر یک نوع شرک است.

۲.۵ وجه فقهی

علی‌اکبر پرورش، ضمن تأکید بر نظارت بر رؤسا، به آیه‌ای خطاب به پیامبر اشاره دارد که در آن آمده اکنون که پیامبر در رأس قدرت هستند، زنان ایشان اراده بهره‌برداری و سوءاستفاده و دنیاگرایی و خودآزایی در کنار قدرت را دارند (خبرگان: ۵۵). گرجی نیز در بحث در مورد زنان (با تأکید بر اینکه چون متأسفانه تاکنون حقوق زنان رعایت و اجرا نشده است)، بر پایه متن آیات قرآنی و احادیث صحبت به‌میان می‌آورد و در این راستا، به مشکلات اجتماعی و فرهنگی زنان اشاره می‌کند. او اظهار می‌دارد که زنان در جامعه ما از نظر رشد فرهنگی بسیار عقب‌تر از مردان هستند و حتی زنان تحصیل‌کرده نیز که تعداد اندکی هستند، از این قاعده مستثنی نیستند. او با آوردن این مثال که یک خبرنگار زن در مورد آزادی ورزش زنان (در مورد نحوه لباس پوشیدن در هنگام ورزش از جمله

سوارکاری) از ایشان خواسته که این موضوع در قوانین مطرح باشد، می‌خواهد بیان کند که دیدگاه زنان ما نسبت به قانون اساسی و مطالبی که باید در آن مطرح شود، در این سطح باقی مانده است و با اشاره به اینکه این خواسته خارج از موازین اسلامی است، تلاش دارد که پایین‌بودن سطح رشد فرهنگی زنان تحصیل کرده را از این بُعد نشان دهد. وی در ادامه عنوان می‌کند که زنان به دلیل در محرومیت قرار گرفتن، از لحاظ رشد تقوا و ایمان از مردان پایین‌تر هستند. در ادامه با اشاره به برخی از آیات قرآن در مورد شأن و استعداد زنان که آنها را تا حد روح عصمت نیز بالا برده است، عنوان می‌کند که بنابراین بین زن و مرد اختلافی نیست و حقوق زن در اسلام ثابت است؛ ولی، چون در نظامی که اکنون در آن هستیم، هنوز آثار نظام قبلی وجود دارد و حالت‌های قبلی پاک نشده، زنان نیز هنوز خودشان را باور نکرده‌اند. وی در ادامه اظهار می‌کند که با توجه به آیات قرآن، زنان در تمام نظام اجتماعی حق حضور و مشارکت دارند. او می‌گوید برای اینکه حقوق زنان از بین نرود، حق مسلم آنان است تا زمانی که جامعه تقوا و تکامل خود را در پیش بگیرد، باید حقوقشان در این قانون گنجانده شود و قانون تشکیلاتی برای پاسداری از حقوق زنان شکل بگیرد تا این نظام برپاشود. او اشاره می‌کند که اگرچه نظام اقتصادی خانم‌ها اهمیت دارد، ارزش‌های معنوی، فرهنگی و سیاسی زنان در قرآن بسیار مهم‌تر است (خبرگان: ۱۸۸-۱۹۱). رشد نکردن فرهنگی زنان را به دلیل ناآشنایی با فقه و اصول اسلامی می‌داند که مدت‌ها از فراگیری آن محروم مانده‌اند و دستیابی به حقوق واقعی برای زنان را در گرو بالارفتن درک فقهی و اسلامی می‌داند که این امر نیز بدون توجه نمایندگان و بدون گنجاندن مضامین آن در قانون، برای زمینه‌سازی و پیاده‌کردن آن ناممکن به نظر می‌رسد. البته، ایشان با اشاره به احکام و قرآن سعی کرد تا در پوشش آنها به عنوان کردن سایر دغدغه‌ها و مشکلات زنان در جامعه بپردازد. گرچه بنا بر فضای فقهی حاکم بر مجلس، برخی از نمایندگان سنت‌گرای مجلس تلاش کردند تا با آوردن آیاتی نقیض مستندات خانم‌گرایی، صحبت‌های او را رد کنند که این خود نشان‌دهنده فضای چیره فقهی بود تا فضایی مربوط به تصویب و تدوین یک قانون اساسی، تا حدودی توانست خواسته‌هایی را که تحت فشار زنان در خارج از مجلس بر وی وارد می‌آمد، عنوان سازد (همان: ۴۴۶).

بحث تفاوت میان زن و مرد را در مباحث حقوقی و تساوی آنان در برابر قانون، باید با توجه به آنچه اسلام مد نظر قرار داده مطرح سازیم، زیرا اسلام با توجه به تفاوت‌های زن و مرد در زمینه قابلیت‌ها و استعدادهای طبیعی در مورد آنها سخن به میان آورده است؛ از

جمله، پرورش با اشاره به سخن پیامبر که در آن بر این امر تأکید شده است که قانون اسلام همه مکلفین را در برابر قانون مساوی می‌داند و حقوق مساوی برای زن و مرد قائل شده، مگر جایی که شارع یعنی خدا مصلحت را در آن قسمت‌ها به زن یا مرد اختصاص بدهد. موسوی اردبیلی در مورد اصل ۱۰ که در آن در مورد خانواده بحث به میان آمده، عنوان می‌کند که قوانین و مقررات باید به نحوی وضع شوند که واحد خانواده به هر نحوی حفظ گردد، زیرا زندگی ماشینی وضع خانواده‌ها را به نحوی پیش برده است که زنان جذب محیط کار بیرون از خانه شده‌اند و این بیرون رفتن زنان از محیط خانواده بنای خانواده را سست می‌کند. او عنوان می‌کند که باید وسایلی را فراهم کنیم که خانواده سالم و بر مبنای حق شکل بگیرد. در ادامه، به این مطلب اشاره ضمنی می‌کند که وقتی مسائل فقهی و اخلاقی را در اسلام در نظر بگیریم، می‌بینیم که با جذب شدن زن‌ها در محیط کار در خارج از خانه و در کارخانه‌ها و امثال اینها منافات دارد. نیز، اشاره می‌کند که البته زن می‌تواند کار کند، ولی در حدی که به حقوق بچه‌ها لطمه‌ای وارد نسازد و نیز با وظایف مادری و شوهرداری منافات نداشته باشد. جذب شدن زن در محیط کار در حالتی که خانواده را در یک جامعه بزرگ هضم کند و عواطف اعضای خانواده را از بین ببرد و بر تربیت فرزندان تأثیر بگذارد، باید به کلی از بین برود. منظور او، به تعبیر خودش، صرفاً حفظ نهاد خانواده بوده و نه زندانی و حبس کردن خانم در خانه (همان: ۴۵۰).

حائری در سخنان خود (در طرح اصل ۲۵) بر این امر اصرار دارد که بیش از حد به اختلاط زن و مرد کمک نشود و با اشاره به این موضوع که در احکام اسلامی، نماز جمعه و جهاد از زن برداشته شده و مثال‌هایی از این قبیل، عنوان می‌کند که هر دو دوره‌ای را که زنان در منزل بودند و زمانی که به سر کار می‌روند، تجربه کرده است و مزیت‌های آن دوران را نمی‌توان با این دوره مقایسه کرد و در دوره جدید، کار زنان در بیرون از منزل بر روی تربیت فرزندان و کاهش روابط عاطفی میان اعضای خانواده مؤثر بوده است. علاوه بر آن، حضور زنان در بیرون و در محیط کار باعث شده که در برخی از زمینه‌ها شاهد رشد بی‌عفتی باشیم و عنوان می‌کند که اصولاً اختلاط بین زن و مرد خوب نیست و اسلام نیز این را نخواست است (خبرگان: ۶۱۱).

موسوی تبریزی در سخنانی (در طرح اصل ۲۰) عنوان می‌کند که در اینجا منظور این قانون این است که زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و هیچ تفاوتی ندارند و از حقوق کامل سیاسی، اقتصادی، اداری، مدنی و فرهنگی برخوردارند. این مورد بیشتر از این

لحاظ در قانون تصریح می‌شود که در دوران طاغوت، تبلیغات منفی زیادی در مورد محدودیت قوانین اسلام در مورد زنان بیان شده و این باعث نگرانی و ترس در میان زنان جامعه گردیده است. در ادامه، اشاره می‌شود که چون زنان در برخی از زمینه‌ها بر طبق شرع صلاحیت ندارند، بنابراین با ذکر این مطلب که مطابق موازین اسلامی باشد، این شبهه را برطرف ساختیم و از طرفی با آوردن یک سری موازین علمی از جمله با در نظر گرفتن زمینه طبیعی و روحی، تلاش در رفع هرگونه بدبینی داشتیم. آقای کیاوش بر این نکته اصرار دارد که بحث اصلی در این قانون بر سر کلمه برابری است، زیرا تصور بر این است که برابری همان عدل است؛ ولی در واقع، عدل حقوق مساوی برای استحقاق‌های مساوی است. در این اصل، باید حقوقی که خدا به زن و مرد داده بررسی شود و درعین حال، آن چیزی را که مردم می‌خواهند به آنها توضیح دهیم و آن تصویری که مردم دارند و خیال می‌کنند زن ضعیف است، از بین برود و اگر در شرع نیز زن از یک سری امتیازات محروم شده است، به دلیل لطفی بوده که نسبت به زنان اعمال شده و بنابراین می‌توانیم بگوییم که در برخی موارد چون استحقاقشان مساوی نبوده حقوق مساوی‌ای ندارند (همان: ۶۲۷).

در شرع اسلام منصب قضاوت و زعامت به زن داده نشده است. بنابراین، آنچه مد نظر این قانون است، این است که زن می‌تواند انتخاب کند و منتخب باشد؛ یعنی، می‌تواند وکیل باشد و همچنین به مجلس خبرگان بیاید، که اینها همان حقوق سیاسی است که برای زن و مرد مساوی است. در مورد بخش اقتصادی هم ذکر می‌شود که هر کاری که از نظر اقتصادی می‌خواهید انجام دهید تا آنجا که مشروع و انسانی است، همان کار را هم زن می‌تواند انجام دهد. در مورد مسائل اداری هم نظر بر این است که زن می‌تواند مانند مرد کارمند شود، اما تکلیف او در برابر حجاب، خودش مسئله دیگری است؛ ولی از نظر ذات کار با هم تفاوتی ندارند. فاتحی در دنباله این اظهارات عنوان می‌دارد تقریباً مسلم است که اسلام قضاوت و ولایت و حکومت را به زن نداده است؛ بنابراین در این قانون، از منظر او، کلمه مساوی مشکل دارد، زیرا در اسلام بین زن و مرد یک سری امتیازاتی وجود دارد و به طور طبیعی ممکن است مساوی باشد، ولی بین زنان و مردان و بین خود زنان نیز تفاوت وجود دارد. علاوه بر این، از بحث استعدادها نیز نمی‌توان کاملاً در مورد همه به‌طور یکسان مطمئن بود. بنابراین، قرار دادن این دو مورد در کنار هم نادرست است.

موضوع دیگری که در میان نمایندگان در مورد زنان مطرح بود، بحث تعلیمات و آموزش نظامی و دفاعی مطرح شده در اصل ۱۵۱ بود که دولت را به داشتن برنامه برای همه

افراد کشور در جهت این تعلیمات موظف می‌کرد. از جمله مخالفان این قانون، لطف‌الله صافی بود که عنوان کرد آموزش نظامی برای بانوان سابقه قبلی ندارد و حتی عنوان می‌کند که اگر لازم بود پیامبر این آموزش‌ها را به حضرت فاطمه می‌دادند و در ادامه ذکر می‌کند که یک بدعت تازه در زمان طاغوت برای از بین بردن صیانت زنان بود و این را یک بدعت می‌دانست. صافی عنوان می‌کند که این مجلس، مجلسی نیست که زن و مرد را در مقابل هم قرار دهد و فقط طبق احکام الهی و فقهی در مورد مسائل مرتبط با زنان، تحقیق کرده، قوانینی در اختیار مردم قرار خواهد داد. به تعبیر او، در اسلام زن و مرد در مقابل هم نیستند. رئیس مجلس خبرگان نیز اشاره می‌کند که اصولاً در جامعه اسلامی زن و مرد مکمل یکدیگرند نه در مقابل و مخالف یکدیگر (همان: ۱۵۰۶-۱۵۱۳).

دیگر عضو خبرگان قانون اساسی، آیت‌الله صدوقی در بیانات قبل از دستور بررسی اصل ۱۱۲، بعد از ذکر مطالبی عنوان می‌دارد که در سابقه تاریخی حکومت اسلامی شواهدی از حضور زنان در غزوات و یا در مسندهای قدرت وجود ندارد. با وجود آنکه زنان شایسته‌ای در آن دوران بوده‌اند، باز هم هیچ‌گاه مقام فرمانداری و استانداری ایالات را به زنان نمی‌دادند. او در واکنش تندی نسبت به کسانی که زنان را دارای قابلیت برای احراز پست ریاست جمهوری می‌دانستند، این بیانات را عنوان کرد و نیز با لحن تندی به مقابله با کسانی پرداخت که خواهان این حقوق برای زنان بودند و نیز با ذکر این مطلب که در جامعه‌ای که هنوز بسیاری از مردان بیکار هستند، سخن از این امر نادرست است. آیت‌الله صدوقی با اشاره به اینکه زنان به دلیل نقش مادری و تحمل دوران بارداری توان احراز پست‌هایی از قبیل نخست‌وزیری را ندارند، به صحبت‌های طنزآلود خود خاتمه داد، در حالی که بسیاری از نمایندگان نسبت به سخنانش واکنش نشان دادند.

حسینعلی منتظری در مورد ویژگی‌های رئیس‌جمهور در جلسه شصت و چهارم عنوان می‌کند که:

در مورد مسئله مرد بودن ما مسلمات اسلام را نمی‌توانیم کنار بگذاریم و از طرفی نمی‌خواهیم به خواهران خود جسارتی داشته باشیم یا حتی از آنها سلب شده باشد. در مسئله حکومت و ولایت این اشتباه است که ما خیال می‌کنیم حق است. این مسئله وظیفه است و مسئولیت دارد و مسئولیت بار سنگینی است، چنانچه خدای تعالی به دوش عده خاصی بگذارد و زن‌ها را نخواهند این مسئولیت سنگین به دوششان بگذارند. این هتک حرمت به زن‌ها نشده و حقوقی از آنها تزییع نشده و من عرض کردم در فقه اسلام مسئله

ولایت و مسئله قضاوت را گفته‌اند که مخصوص مردهاست و چون مسئولیت خیلی سنگینی است که عواقب زیادی دارد فقط عرض کردم در قضاوت راجع به اموال ابوحنیفه عنوان کرده می‌توان قضاوت را به زن داد (همان: ۱۷۶۷).

گرچی در ادامه و در موافقت با اجازه داشتن زنان برای نامزدی انتخابات ریاست جمهوری، عنوان می‌کند:

با توجه به اینکه در اینجا ولایت نیست و ولایت هم با رهبری و فقط تنفیذ امر است و یک قدرت اجرایی و یک وکالت است، پس زنان هم می‌توانند به چنین مقامی برسند. اگر چنین چیزی در جامعه اسلامی نیست، پس چه لزومی دارد که مسلمان بودن و مرد بودن قید شود. آوردن قید مرد لزومی ندارد، زیرا اگر احیاناً زن‌ها به این مرحله از تکامل و پویایی برسند، باز در مرتبه رهبریت و امامت نیستند. زن هم می‌تواند مؤمن و باتقوا و امین باشد و قدرت سیاسی زن را اسلام امضا کرده است و حالا اگر در اسلام نبوده، ما هم خلاف اسلام را نمی‌خواهیم، رهبر هم امضا نمی‌کند، می‌گوییم بحثی نیست که ما این را بگذاریم و باعث ناراحتی شود و سد سبیل الله هم شود، چون بالاخره این راه باید باز شود و همه اگر امکان دارند در این راه کار کنند، اگر نتوانند نمی‌رسند. بنابراین گذاشتن این مورد چه نیازی دارد؟

در ادامه، فاتحی هم در برابر صحبت‌های خانم گرچی اشاره می‌کند که بحث مسئولیت و بار سنگین آن در میان است و احساس و عواطف در زن زیاد و عقل کم است؛ بنابراین، روی این اصل اسلام خواسته است که حکومت و قضاوت به زن نرسد، زیرا در اسلام حکومت به زن نمی‌رسد (خبرگان: ۶۹).

۳.۵ وجه انقلابی

وجه انقلابی نگرش نسبت به مقوله زن و جنسیت در خبرگان قانون اساسی، کمتر بروز دارد و نمی‌توان آشکارا از آن یاد کرد. اما، در سراسر متن مذاکرات خبرگان، این روح و اندیشه حاکم است که انقلاب اسلامی نویدبخش پیدایش جامعه‌ای نوین با معیارهایی آرمانی است. بهشتی عنوان کرد که ما میان جمع تحصیل کرده خود، مردان و زنان با ایمان، مسلمان و متعهد فراوان داریم که از نیروهای مؤثر این انقلاب بوده‌اند و هستند و خواهند بود (خبرگان: ۱۱۱). نگاه انقلابی‌گرای خبرگان قانون اساسی به تمامی مؤلفه‌های سازنده یک دولت اسلامی، به این نگرش گرایش می‌یابد که عالم بیرون می‌بایست خود را تغییر دهد و

هنجارهای معهود بین‌المللی، می‌بایست متحول گردند. خبرگان قانون اساسی نمایندگان بدون واسطه و بلادرنگ انقلاب اسلامی هستند. بنابراین، حتی برداشت‌های مطابق معیارهای بین‌المللی و عرف‌های جاری آنان نیز باید رنگ و بوی انقلاب بدهد. در مذاکرات خبرگان قانون اساسی، تصور بر این بوده است که دنیا اکنون در صدد آن است که بداند انقلابیون اسلامی ایران چه کاری می‌خواهند انجام دهند. بنابراین، عبارتی از این قبیل که شرق و غرب چشم دوخته‌اند ببینند ما چه می‌نویسیم، جهان منتظر ماست که شئون اسلام را در قانون اساسی مکتوب ما بخواند و بداند و شئون اسلام را در جهان بایستی با این قانون اساسی معلوم و معین ساخت (همان: ۲۲۲، ۲۸، ۲۶-۲۲۳)، طبیعی جلوه می‌نماید و نشانه آن است که پیروزی بر یک وضعیت، انقلابیون ایران را وامی‌دارد که این‌گونه فکر کنند که دنیا نیز انتظار می‌کشد است تا شیوه عمل آنان را بسنجد.

به‌ویژه، در مقدمه قانون اساسی که نقش مانیفست حقوق و سیاسی نظام نوین را دارد، نگرش انقلابی و آرمان‌گرا کاملاً جریان دارد: حکومت از دیدگاه اسلام، برخاسته از موضع طبقاتی و سلطه‌گری فردی یا گروهی نیست، بلکه تبلور آرمان سیاسی ملتی همکیش و همفکر است که به خود سازمان می‌دهد تا در روند تحول فکری و عقیدتی^۲، راه خود را به سوی هدف نهایی (حرکت به سوی الله) بگشاید. به‌همین دلیل، در مقدمه بسیار آرمان‌جویانه قانون اساسی برخاسته از انقلاب اسلامی، از یک‌سو، خانواده، واحد بنیادین جامعه و کانون اصلی رشد و تعالی انسانی به شمار می‌آید که در آن، توافق عقیدتی و آرمانی در تشکیل خانواده به مثابه زمینه‌ساز اصلی حرکت تکاملی و رشدیابنده انسان محسوب است؛ و از دیگر سو، زن در چنین وضعیتی از حالت شیئی و ابزار کار بودن و خدمت به اشاعه مصرف‌زدگی و استثمار خارج شده، به بازیافتن وظیفه خطیر مادری در پرورش انسان‌های مکتبی پیشاهنگ می‌پردازد.

۴.۵ وجه عقلائی

صحبت‌های مقدم مراغه‌ای را می‌توان جزء معدود سخنانی به شمار آورد که بدون استناد به فقه و مباحث اسلامی در مورد زنان مطرح شد. در آغاز صحبت، ضمن اشاره به اینکه مایل بود زنان بیشتری در میان نمایندگان مجلس حضور داشته باشند، بر صریح‌تر شدن محتوا و مضمون اصل ۱۲ و ۲۲ در مورد حقوق ملت اشاره می‌کند و تأکید دارد که وقتی زن و مرد را در کنار یکدیگر در برابر قانون قرار می‌دهیم، برای رفع ابهام بایستی منظور از حقوق ملت

کاملاً روشن باشد و به مواردی از جمله آزادی، حیثیت، حقوق مدنی، اجتماعی و سیاسی اشاره شود که همه در مقابل آن برابرند و هیچ تبعیضی در این مورد وجود نخواهد داشت. در ادامه نیز با اشاره به اصول ۲۴ تا ۲۹ و نیز ۳۳، ۳۵ و ۳۶، خواهان شفافیت بیشتر در زمینه تضمین حقوق انسانی در این راستا می‌شود (خبرگان: ۳۸). گرجی در صحبت‌های خود، زن را در قالب نقش اصلی‌اش در خانواده مورد توجه قرار می‌دهد و خواهان قائل شدن حقوق بیشتر برای آنان است و از طرفی در مورد سایر قوانین، زن را از واژه عموم ملت جدا نمی‌داند و نیازی به جداسازی و تفکیک بین زن و مرد نمی‌بیند و فقط در مورد تشکیل دادگاه صالحه خانواده است که خواهان این بود که دادگاه صالحه‌ای برای حقوق زنان تشکیل گردد تا در این زمینه مانع از تضييع حقوق زنان گردد.

بنی‌صدر اشاره می‌کند که همواره به این مطلب اذعان داشته که اسلام حقوق بیشتری برای زنان نسبت به غرب قائل شده است، ولی به نظر می‌رسد در این قانون هیچ‌گونه شفافیتی در مورد حقوق زنان وجود ندارد و حتی در مورد حقوق آنان در خانواده نیز به تفکیک مطرح نشده که آنان از چه حقوقی برخوردارند (همان: ۴۳۸-۴۴۵). بهشتی بر این باور بود که روند اقتصادی کشور نباید چنان باشد که برای تأمین معاش، زنان مجبور باشند در خارج از محیط خانه کار کنند. ولی با این توجیه نیز صرفاً زنان را با توجه به نقششان در خانواده مد نظر قرار دادند نه به‌عنوان یک فرد که دارای حق و حقوقی باشد. خانم گرجی اشاره می‌کند که همه اینها برخاسته از ترس و نگرانی زنان است از اینکه تمام زندگی و تمام زحماتشان با تصمیم ناجوانمردانه به فنا برود. در این زمینه، نمایندگان را خطاب قرار می‌دهد که به‌عنوان امین و حامی گروه مستضعفان، موقعیت خانم‌ها را بررسی کنند و ترس و مشکلات آنها را برطرف سازند. با توجه به اینکه زنان نیمی از جمعیت کشور هستند و نیمی دیگر را نیز تربیت می‌کنند، برای ریشه‌کن کردن هرگونه ناحقی مردان نسبت به همسرانشان، تلاش کافی را مبذول دارند. با توجه به اینکه زنان نیز در این انقلاب سهیم‌اند و باید در این مورد بیشتر دقت شود (معین‌فرد، ۱۳۸۵: ۱۰۰). خانم گرجی عنوان می‌کند که:

در این قانون بحث از حقوق زنان نیست؛ بحث از حقوق انسان است و حقوق انسانی زن مطرح است و ما نمی‌خواهیم زن و مرد را از هم جدا کنیم و دولت اسلامی باید استقلال و حقوق انسانی زنان را تضمین کند حالا به هر طریقی و به هر وسیله‌ای که می‌تواند (همان: ۴۵۴).

۵.۵ وجه بدیهی

مقدم مراغه‌ای خواهان قائل شدن حقوق خاص و ویژه‌ای برای زنان شاغل است که برای جلوگیری از تداخل در سایر نقش‌های زنان، چه در زمینه مادری و چه در نقش همسری، مشکلاتی برای آنان به وجود نیاید و این موضوع را یکی از دغدغه‌های اصلی زنان شاغل مطرح می‌کند (خبرگان: ۳۸). فاتحی در بحث در باب کلیات قانون اساسی عنوان کرد که موضوع رفاه برای عموم مردم از جمله زنان و کودکان بر عهده دولت اسلامی است و کاملاً صریح، زنان را اقشار مستضعف یاد می‌کند (همان: ۶۹). رحمانی عنوان می‌کند جماعت زنان که عمر خود را صرف خانه‌داری و نگهداری فرزندان کرده‌اند، باید در هنگام طلاق یا فوت همسر از ثمره کار خود بهره‌برند (همان: ۸۰). فاتحی در بحث درباره کلیات قانون اساسی، زنان را در کنار قشر مستضعف جامعه قرار داده و تأمین رفاه و نیازهای آنان را بر عهده دولت اسلامی دانسته است (همان: ۱۸۱۹). خانم گرجی در سخنانی دیگر، عنوان می‌کند که چون حقوق زنان در گذشته از بین رفته و این نهادهای انسانی قبلاً در وجود ما مرده، باید اینها را از قوه به فعل تبدیل کنیم و درست نیست دوباره به عقب برگردیم و در شأن زن ایرانی نیست که بگوییم زن‌ها این کارها را نمی‌توانند انجام دهند. رئیس مجلس در ادامه اشاره کرد که همه به حقوق زنان احترام می‌گذارند و چنانچه در برخی از مناصب زن‌ها دخالت داده نشده‌اند، صرفاً به دلیل مسئولیت زیاد آنهاست، وگرنه حرمت زنان محفوظ است (همان: ۱۴۷۶).

۶. نتیجه‌گیری

انقلاب ایران جزء آن دسته از انقلاب‌هایی است که با شعار برگرداندن کرامت و ارزش‌های انسانی به زن و از بین بردن نگاه ابزاری به او، خیل عظیم زنان را با خود در حرکت انقلابی همراه ساخت. گرچه زنانی که در این حرکت سهیم شدند از گرایش‌ها و افکار مختلف بودند، همه آنها در زمینه احقاق حقوق خود در روند انقلاب تلاش کردند. با توجه به اینکه انقلاب ایران یک انقلاب سنتی و مذهبی بود، جو حاکم بعد از پیروزی آن نیز در خارج از این محدوده نبود. مباحثی را که در مورد زنان در مجلس خبرگان مطرح شد، می‌توان به‌اختصار این‌گونه جمع‌بندی کرد که قریب به اتفاق نمایندگان، حقوق زن را خلاصه در شرع و فقه می‌دانستند و نه فراتر از آن و بر این مبنا، حتی حقوق سیاسی و اجتماعی آنان را به برداشت خود از اسلام محدود داشتند. با خلاصه شدن همه مباحث به امر خطیر مادری

و نقش زن در حفظ حریم خانواده، تلاش بر این بود که قوانین به نحوی تدوین شوند که این اصول زیر پا نهاده نشود. در کل، شاهد چیرگی وجه فقهی در مذاکرات و متن قانون اساسی هستیم. در نهایت، می‌توان این موضوع را در فضای حاکم بر مذاکرات مجلس خبرگان ملاحظه کرد که زن از منظر حقوق فردی، کمتر مورد توجه قرار گرفت و با توجه به غلبه الگوی انقلابی زن در خانواده، پیوندی آرمانی بین ارزش‌های پدرسالارانه و نظم دینی برقرار شد؛ به زنان نقش همسری و مادری نسبت دادند و این موقعیت نه فقط در ارتباط با خانواده، بلکه همبسته با سنت، فرهنگ و مذهب به زنان به‌شمار رفت. در برداشت فقهی نمایندگان از اسلام، آنچه در مورد حقوق زنان مطرح بود، قبل از همه، مسئولیت خانوادگی آنهاست.

پی‌نوشت

۱. البته شایان ذکر است که در نگاه مذهبی، میان زن و مرد تساوی در حق و تکلیف وجود ندارد و این نابرابری به‌طرزی طبیعی نشئت گرفته از طبیعت و خلقت زنانه و مردانه است.
۲. از این پس در متن مقاله با عنوان «خبرگان» ارجاع داده می‌شود.
۳. تأکید از نگارندگان است.

منابع

- اداره تبلیغات و انتشارات مجلس شورای اسلامی (۱۳۶۸). *راهنمای استفاده از صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: مجلس شورای اسلامی.
- اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی (۱۳۶۴). *مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران*، ج ۱، تهران: مجلس شورای اسلامی.
- اسدی زیدآبادی، حسن (بی‌تا). «بررسی تطبیقی پیش‌نویس تهیه‌شده توسط حقوقدانان و متن مصوب مجلس خبرگان قانون اساسی»، *نشریه کارگران (ماهنامه سیاست)*، ش ۱.
- افشار، اسدالله (۱۳۸۱، ۲۶ بهمن). «جایگاه و نقش زن در انقلاب اسلامی»، *رسالت*، بوشهری، جعفر (۱۳۷۶). *مسائل حقوق اساسی*، تهران: دادگستر.
- پروین، فرهاد (۱۳۷۹). «زن در قانون اساسی: دولت ضامن حقوق زن»، *حقوق و اجتماع*، ش ۱۹ و ۲۰.
- جوان‌آراسته، حسین (بی‌تا). «زن در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، *پیام زن*، ش ۱۵۵.
- حسینی بهشتی، سیدمحمد (۱۳۷۷). *مبانی نظری قانون اساسی*، تهران: بقیه.
- دریاباری، سیدمحمدزمان (۱۳۸۱، ۲۷ دی). «زن در قانون اساسی و قوانین بین‌الملل»، *ایران*.

- دفتر توافق‌های بین‌المللی (۱۳۷۶). *قانون اساسی فرانسه*، تهران: اداره کل قوانین و مقررات کشور.
- دفتر توافق‌های بین‌المللی (۱۳۷۸). *قانون اساسی ایالات متحده آمریکا*، تهران: معاونت پژوهش و تدوین و تنقیح قوانین و مقررات کشور.
- دفتر توافق‌های بین‌المللی (۱۳۷۹). *قانون اساسی الجزایر*، تهران: معاونت پژوهش و تدوین و تنقیح قوانین و مقررات کشور.
- ساناساریان، الیز (۱۳۸۴). *جنبش حقوق زنان در ایران*، ترجمه نوشین احمدی خراسانی، تهران: اختران.
- شجاعی، زهرا (۱۳۸۳)، ۱۹ اسفند، زن در قانون اساسی، *آرمان*.
- طالبان، محمدرضا (۱۳۸۸). *روش‌شناسی مطالعات انقلاب با تأکید بر انقلاب اسلامی ایران*، تهران: پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.
- فارسون، سمیح؛ و مهرداد مشایخی (۱۳۷۹). *فرهنگ سیاسی در جمهوری اسلامی ایران*، ترجمه معصومه خالقی، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران (باز).
- فوران، جان (۱۳۸۲). *نظریه‌پردازی انقلاب‌ها*، ترجمه فرهنگ ارشاد، تهران: نی.
- قلفی، محمدرضا (۱۳۸۴). *مجلس خبرگان و حکومت دینی در ایران*، تهران: عروج.
- کار، مهرانگیز (۱۳۸۴). «ضرورت تغییر قانون اساسی برای احقاق حقوق کودکان و زنان ایرانی»، *بازتاب اندیشه*، ش ۶۴.
- گلدستون، جک (۱۳۸۵). *مطالعاتی نظری، تطبیقی و تاریخی در باب انقلاب‌ها*، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران: کویر.
- محمدی‌اصل، عباس (۱۳۸۱). *درآمدی بر جامعه‌شناسی زنان ایرانی*، تهران: روشنگران و مطالعات زنان.
- مروئی، کتابون (۱۳۸۵). «زن دیروز، زن امروز»، نشریه سی‌بهار (جام جم)، ش ۲۴۹۳.
- معین‌فرد، محمدرضا (۱۳۸۵). *سیر تدوین و تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- مقدادی، محمدمهدی (بی‌تا). «زنان و حمایت‌های قانونی»، *پیام زن*، ش ۱۵۵.
- موسوی خمینی، روح‌الله (۱۳۸۵). *صحیفه امام*، ج ۸، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- موسوی، محمدمهدی (۱۳۸۴، ۲۰ مهر). «سیمای زن در آیین قانون اساسی»، *حمایت*.
- مولوردی، منیژه (۱۳۸۴). «زن در قانون اساسی، دستاوردها، کاستی‌ها و راهکارها»، *گزارش گفت‌وگو*، ش ۱۸.
- نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها (۱۳۸۷). *کارآمدی نظام جمهوری اسلامی ایران در مسائل زنان*، قم: دفتر نشر معارف.